عملیاتی شدن سوآپ ریال و یوان تجارت ایران و چین را دگرگون می‌کند

طرح ایجاد سوآپ ارزی فعال، مرکز تسویه مشترک و استفاده گسترده از ریال و یوان در مبادلات دوجانبه می‌تواند معادلات تجارت ایران و چین را دگرگون کند. مدلی که اگر عملیاتی شود، نه‌تنها وابستگی به دلار و شبکه‌های واسطه را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه و ریسک انتقال پول را نیز به شکل چشمگیری پایین می‌آورد.

به گزارش خبرگزاری فارس، بخش مهمی از تجارت ایران با چین، که بزرگ‌ترین شریک تجاری تهران محسوب می‌شود، از مسیرهای غیرمستقیم انجام می‌شود. استفاده از شرکت‌های واسطه، حساب‌های واسط در کشورهای ثالث و شبکه‌های تراستی، هزینه نقل‌وانتقال را افزایش داده و ریسک مسدود شدن منابع را بالا برده است.

در چنین شرایطی، نبود یک کانال رسمی بانکی میان دو کشور نه‌تنها شفافیت را کاهش می‌دهد، بلکه قدرت چانه‌زنی ایران را نیز تضعیف می‌کند. کارشناسان مالی معتقدند تا زمانی که مسیر تسویه رسمی و نهادی ایجاد نشود، تجارت حتی در صورت افزایش حجم، همچنان شکننده باقی خواهد ماند.

گام اول: سوآپ ارزی عملیاتی

یکی از ابزارهای کلیدی می‌تواند امضای یک پیمان سوآپ ارزی فعال میان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک خلق چین باشد.

سوآپ ارزی به این معناست که دو بانک مرکزی متعهد می‌شوند مقدار مشخصی از ارز ملی یکدیگر را در اختیار داشته باشند و در صورت نیاز، آن را در اختیار بانک‌های تجاری و فعالان اقتصادی قرار دهند. چنین توافقی، اگر صرفاً نمادین نباشد و سقف عملیاتی قابل‌توجهی داشته باشد، می‌تواند امکان تسویه تجارت با ریال و یوان را فراهم کند.

در این صورت، صادرکننده ایرانی می‌تواند بهای کالای خود را به یوان دریافت کند و واردکننده چینی نیز پرداخت خود را به یوان انجام دهد، بدون آنکه دلار یا بانک‌های غربی در این میان دخیل باشند.

گام دوم: اتصال به زیرساخت پرداخت چین

چین طی سال‌های گذشته سامانه پرداخت بین‌المللی خود موسوم به CIPS را توسعه داده است. سیستمی که تسویه پرداخت‌های یوان را خارج از چارچوب سوئیفت ممکن می‌کند. اگر بانک‌های منتخب ایرانی به این شبکه متصل شوند، بخشی از ریسک انسداد پرداخت‌ها کاهش می‌یابد.

این اتصال به معنای خروج کامل از نظام مالی جهانی نیست، اما می‌تواند یک کانال مشخص، رسمی و مبتنی بر قواعد دوجانبه ایجاد کند؛ کانالی که نیاز به واسطه‌های پرریسک را کم می‌کند.

گام سوم: ایجاد مرکز تسویه مشترک

برخی تحلیلگران پیشنهاد می‌کنند تهران و پکن یک «مرکز تسویه یوان-ریال» ایجاد کنند. نهادی که به‌طور مشترک مدیریت شود و حساب‌های تجاری دو کشور در آن نگهداری شود.

در چنین مدلی، بخشی از درآمد صادرات نفت ایران به چین مستقیماً در این مرکز ثبت می‌شود و از همان محل، هزینه واردات کالا یا سرمایه‌گذاری‌های چینی در ایران پرداخت می‌شود. به این ترتیب، پول الزاماً از مرزها عبور نمی‌کند، بلکه در قالب یک ترازنامه مشترک مدیریت می‌شود.

این الگو شباهت‌هایی با نظام‌های تهاتری مدرن دارد، اما در قالبی نهادی و رسمی طراحی می‌شود.

گام چهارم: ابزارهای مالی یوانی در داخل ایران

اگر هدف، کاهش وابستگی به شبکه‌های غیررسمی است، گردش رسمی یوان در داخل اقتصاد ایران نیز اهمیت پیدا می‌کند. بانک‌های ایرانی می‌توانند سپرده‌های یوانی ایجاد کنند، خطوط اعتباری یوانی برای واردکنندگان بگشایند و حتی اوراق بدهی مبتنی بر یوان منتشر کنند.

چنین اقدامی، علاوه‌بر تسهیل تجارت، پیام روشنی به بازار می‌دهد که مسیر رسمی و بانکی جایگزین مسیرهای غیرشفاف شده است.

فراتر از دور زدن تحریم

اگر تهران و پکن بتوانند یک پیمان جامع پولی شامل سوآپ فعال، مرکز تسویه مشترک و اتصال بانکی پایدار ایجاد کنند، نتیجه صرفاً یک ابزار مقابله با تحریم نخواهد بود، بلکه گامی در جهت تغییر معماری تجارت دوجانبه خواهد بود.

برای ایران، انتخاب میان ادامه وضعیت پرهزینه کنونی یا حرکت به سوی یک چارچوب رسمی و دوجانبه، بیش از آنکه فنی باشد، تصمیمی راهبردی است.

جدول نرخ سکه، ارز و بورس

نوع سکه	قیمت بازار (به تومان)
سکه تمام طرح جدید	۱۹۸/۵۰۰/۰۰۰
سکه تمام طرح قدیم	۱۹۳/۸۰۰/۰۰۰
نیم سکه	۱۰۲/۰۰۰/۰۰۰
ربع سکه	۵۶/۰۰۰/۰۰۰
گرمی	۲۸/۰۰۰/۰۰۰
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۱۹/۷۳۷/۸۰۰
نوع ارز	
دلار (توافقی)	۱۳۷/۱۷۲
یورو (توافقی)	۱۶۱/۶۳۶
پوند	۲۲۲/۴۱۸
یوان چین	۱۹/۸۵۲
درهم امارات	۳۷/۴۱۶
هزار دینار عراق	۱۱۶/۳۰۰
بورس	
شاخص کل بورس تهران	۳/۶۱۸/۴۸۲
شاخص کل هموزن	۹۴۱/۶۹۰

با توجه به ثبات مصرف آرد یارانه‌ای از ۱۳۹۸ تاکنون

دولت، اسیر استدلال‌های مشکوکِ مدافعان حذف یارانه نان نشود

خطر تکرار شوک ارز ترجیحی در نان و حذف یارانه زنجیره به‌دلیل ابهام در بودجه ۱۴۰۵ احساس می‌شود و دولت نباید اسیر استدلال‌های مشکوک مدافعان حذف یارانه نان بشود.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، بررسی روند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ماه‌های اخیر، به‌ویژه تصمیمات اتخاذشده در دی‌ماه ۱۴۰۴، حاوی درس‌های مهمی برای آینده اقتصاد ایران بود، اکنون نیز واکاوی دقیق برخی بندهای بودجه ۱۴۰۵، به‌ویژه در حوزه کالاهای اساسی و نان، از منظر اقتصاد سیاسی و ثبات اجتماعی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

به‌نظر می‌رسد بازخوانی تجربه اخیر در حوزه بنزین و ارز، و تطبیق آن با سناریوهای احتمالی برای یارانه نان، می‌تواند چراغ‌راهی برای پرهیز از تکرار آزمون و خطاهای پرهزینه باشد. یکی از چالش‌های اصلی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، تفاوت فاحش میان نتایج روی کاغذ و خروجی‌های میدانی است. در طرح اخیر اصلاح نرخ بنزین و حذف ارز ترجیحی، مدل‌سازی‌های کارشناسی و البته مشکوک، حاکی از آن بود که اثر تورمی این تصمیمات فراتر از دو درصد نخواهد بود. این محاسبه از منظر ریاضی و حسابداری شاید صحیح باشد، اما فاقد یک متغیر کلیدی به‌نام «انتظارات تورمی» است.

تجربه نشان داد که در اتمسفر اقتصاد ایران، هرگونه شوک قیمتی به کالاهای پایه، نه به‌اندازه وزن واقعی آن کالا، بلکه به‌اندازه «انتظار عمومی از آینده» بر شاخص تورم اثر می‌گذارد؛ چنان‌که دیدیم برآورد دو درصدی، با در نظر گرفتن این شاخص در عمل به پیش‌بینی افزایش ۱۰ درصدی تورم منجر شد.

اگر کالایی مانند بنزین چنین اثری دارد، تغییر در مکانیزم عرضه «نان» که قوت غالب جامعه و نماد امنیت غذایی است، چه‌تبعاتی بر انتظارات تورمی خواهد داشت؟ به‌نظر می‌رسد ضریب حساسیت جامعه نسبت به نان، بسیار بالاتر از سایر کالاهاست و بهتر است؛ حاکمیت از اصلاح قیمت نان، صرف نظر کند.

ضرورت رفع ابهام در مجلس

در بررسی جدول شماره ۱۴ لایحه بودجه ۱۴۰۵، ردیف اعتباری ۲۹۰ هزار میلیارد تومانی برای یارانه نان لحاظ شده است که از نظر عدد و رقم، تداوم روند گذشته را نشان می‌دهد اما نکته قابل تأمل، استفاده از عبارت کلی و تفسیرپذیر پرداخت به ذی‌نفع نهائی است. این ابهام در نگارش قانون، دو مسیر کاملاً متفاوت را پیشِ‌روی مجریان قرار می‌دهد.

یک مسیر از تفسیر ذی‌نفع نهائی، زنجیره تولید (نانوا) تلقی شود. در این حالت، قیمت برای مصرف‌کننده ثابت می‌ماند و دولت مابه‌التفاوت هزینه را به تولیدکننده می‌پردازد اما مسیر دوم ذی‌نفع نهائی را خانوار تفسیر می‌کند؛ این سناریو به‌معنای آزادسازی قیمت نان و پرداخت یارانه نقدی یا کالابرگ به مردم است.

شاید ایده اصلی مجلس این بوده است که دست دولت را برای تصمیم‌گیری باز بگذارد اما با توجه به حساسیت موضوع نان، ایجاد چنین ابهامی در بودجه ریسک تصمیم‌گیری نسنجیده را بالاتر می‌برد.

با توجه به حساسیت موضوع، انتظار می‌رود قانون‌گذاران خود با شفافیت کامل، تکلیف این بند را روشن نمایند تا از بروز هرگونه تفسیر سلیقه‌ای در مقام اجرا که می‌تواند منجر به شوک قیمتی شود، جلوگیری به‌عمل آید.

ثبات مصرف آرد از ۱۳۹۸ تاکنون

یکی از استدلال‌های رایج برای آزادسازی قیمت‌ها، جلوگیری از رانت و قاچاق ناشی از اختلاف قیمت آرد دولتی و آزاد است. منتقدان وضعیت موجود معتقدند وقتی گندم دولتی ۹۰۰ تومان و گندم آزاد ۲۰ هزار تومان است، فساد اجتناب‌ناپذیر است.

اما داده‌های سامانه هوشمندسازی یارانه نان (نانینو) در چهار سال اخیر، تصویر متفاوتی را ارائه می‌دهد که در سال ۱۴۰۱، شکاف قیمت آرد دولتی و آزاد ۱۶ برابر بود اما این اختلاف در سال ۱۴۰۴، به ۲۳ برابر افزایش یافت.

با این حال، علی‌رغم افزایش شدید انگیزه برای تخلف (به‌دلیل رشد شکاف قیمتی)، میزان مصرف آرد یارانه‌ای کشور در کانال هشت میلیون و ۱۰۰ هزار تن (معادل سال ۱۳۹۸) تثبیت شده و افزایش نیافته است.

این آمار نشان می‌دهد که «نظارت سیستمی» توانسته است جایگزین «ابزار قیمتی» شود، بنابراین، استدلال‌هایی که صرفاً بر پایه تئوری‌های کلاسیک اقتصاد (لزوم تک‌نرخی شدن برای حذف فساد) بنا شده‌اند، در این مورد پاسخگو نیست آن هم در شرایط ویژه کنونی که هرگونه اقدام درخصوص آن می‌تواند تبعات سیاسی اجتماعی قابل‌توجهی به‌دنبال داشته باشد. وقتی سامانه توانسته است با وجود شکاف ۲۳ برابری، مصرف را کنترل کند، تحمیل هزینه اجتماعی آزادسازی قیمت‌ها چه توجیهی دارد؟

باید به این نکته اشاره کرد که بروز برخی مشکلات اجرائی، نباید بهانه‌ای برای زیر سؤال بردن کلّیت طرح هوشمندسازی باشد. راهکار منطقی در این شرایط، «تکمیل و تقویت طرح» و تأمین بموقع منابع تعهدشده به نانوایان است، نه پاک کردن صورت مسئله و حرکت به‌سمت آزادسازی قیمت‌ها.

اقتصاد ایران در شرایط کنونی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش و پیش‌بینی‌پذیری است. حفظ قیمت نان و تداوم عرضه آرد یارانه‌ای، نه یک انتخاب اقتصادی صرف، بلکه یک ضرورت اجتماعی برای حفظ قدرت خرید دهک‌های پایین جامعه است،

امید است تصمیم‌گیران با نگاهی جامع به ابعاد اجتماعی و امنیتی، از هرگونه تصمیم شتاب‌زده که می‌تواند لنگرگاه ثبات معیشتی مردم را متزلزل کند، پرهیز نمایند.

نتیجه سپردن اقتصاد به بازار عرضه و تقاضا

افزایش ۲۵ درصدی نرخ بلیت قطار مسافری با وجود کاهش تقاضای سفر!

تقاضا برای سفرها کاهش یافته است اما عضو انجمن حمل‌ونقل ریلی مسافری گفت: نرخ بلیت قطار از اول اسفندماه سال‌جاری، ۲۵ درصد افزایش یافته است(!)

«سید جواد ساداتی»، عضو انجمن حمل‌ونقل ریلی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر با اشاره به افزایش ۲۵ درصدی نرخ بلیت قطار از ابتدای اسفندماه سال‌جاری، اظهار کرد: خدمات ارائه‌شده به بخش ریلی مسافری مستقیماً با ارز ارائه نمی‌شود اما هزینه‌های این بخش شامل چند بخش ریالی و اصلی است، بخشی از این هزینه‌ها مربوط به تأمین قطعات فنی است.

وی افزود: قطعات قطار به مرور زمان نیازمند تعمیر، بازسازی یا جایگزینی هستند و عمدتاً از فلزات ساخته شده‌اند که قیمت آن‌ها با نوسانات بازار رشد می‌کند. بخش دیگری از هزینه‌ها مربوط به ارائه خدمات رفاهی به مسافران، شامل غذا و مایحتاج مصرفی است؛ با توجه به افزایش قیمت مواد اولیه مانند مرغ، برنج و روغن، هزینه تهیه این اقلام نیز افزایش یافته است.

هزینه‌هایی که صرفاً با گرانسازی تامین می‌شود!

عضو انجمن حمل‌ونقل ریلی مسافری افزود: حقوق و دستمزد کارکنان نیز بخش قابل توجهی از هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد. به منظور حفظ نیروی انسانی، ناگزیر به پرداخت حقوق بالاتر از حداقل‌های اعلام‌شده توسط اداره کار هستیم تا شرایط معیشتی کارکنان تأمین شود. همچنین برخی تجهیزات، مانند چرخ‌های قطار، مستقیماً از خارج کشور تأمین می‌شود و قیمت آن‌ها وابسته به نرخ ارز است.

ساداتی ادامه داد: مجموع این هزینه‌ها باعث افزایش بهای تمام‌شده خدمات ریلی شده و به منظور جبران آن، افزایش نرخ بلیت ضروری است. به همین دلیل، افزایش ۲۵ درصدی نرخ بلیت از اول اسفندماه اعمال شده است. البته در ابتدای سال نیز افزایش نرخ بلیتی داشته‌ایم و از آن زمان تاکنون شرکت‌های ریلی مسافری با ضرر و زیان مقابله کردند تا این نرخ جدید اعمال شود.

وی افزود: نرخ بلیت قطار تهران- مشهد پیش از این حدود ۹۰۰ هزار تومان بود و با اعمال افزایش ۲۵ درصدی، قیمت آن به حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان رسیده است. نرخ سایر مسیرها نیز با توجه به سن و وضعیت قطار متفاوت است.

در این زمینه ابوالقاسم سعیدی؛ دبیر انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی مسافری و خدمات وابسته در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در برخی از شرکت‌های ریلی افزایش قیمت بلیت داشتیم ولی این افزایش شامل حال همه شرکت‌ها نیست. آن دسته از شرکت‌هایی که قیمت بلیت‌شان مناسب بود شامل این تغییر نمی‌شوند.

گفتنی است، معنای سپردن اقتصاد به بازار عرضه و تقاضا، این است که با وجود کاهش سفرها به دلیل کاهش قدرت خرید، ماه رمضان و...، بلیت قطار و اتوبوس و... گران شود! دولت، همچنان ادای اقتصادهای آزاد دنیا را درمی‌آورد و به جای تشویق مردم به سفر که می‌تواند فضای کشور را به طرف آرامش ببرد؛ همچنان در حال سخت‌تر کردن سفر است.

این در حالی است که حمل‌ونقل مسافری اتوبوسی و ریلی، تا حدود زیادی، متکی به داخل است و نیاز ارزی آنچنانی ندارد. همچنین دولت می‌تواند با دادن برخی یارانه‌های ریالی، تجهیزات و... به شرکت‌ها، نه تنها بلیت قطار و اتوبوس را گران نکند بلکه با ارزان سازی و تبلیغات، مردم را به سفر تشویق کند.

جوابیه بانک مرکزی و پاسخ کیهان

بانک مرکزی در پاسخ به گزارش کیهان در شماره مورخ ۲ اسفند ماه ۱۴۰۴ با عنوان «ضرورت اصلاح رویکردهای دولت برای تقویت ارزش پول ملی» جوابیه‌ای ارسال کرد که به همراه پاسخ ما به حضور مخاطبان تقدیم می‌شود.

در جوابیه بانک مرکزی آمده است:

یادداشت منتشر شده در روزنامه کیهان با عنوان «ضرورت اصلاح رویکردهای دولت برای تقویت ارزش پول ملی»، دغدغه‌ای مهم را پیش می‌کشد؛ کاهش قدرت خرید و فشار تورمی. این نگرانی، بی‌تردید جدی است و باید محل توجه هر سیاستگذاری باشد. اما آنچه نیازمند بازاندیشی است، چارچوب تحلیلی این نقد است. اگر تحولات ارزی را صرفاً به تصمیمات اخیر سیاستگذار تقلیل دهیم، از درک پیچیدگی محیطی که اقتصاد ایران در آن عمل می‌کند باز می‌مانیم. اقتصاد ایران در وضعیت عادی قرار ندارد؛ در معرض تحریم مالی، محدودیت‌های تسویه، اختلال در جریان‌های ارزی و جنگ انتظارات است. در چنین شرایطی، سنجش سیاست پولی با معیار نوسان روزانه بازار غیررسمی، تحلیلی ناکامل به دست می‌دهد.

نویسنده محترم کیهان حذف ارز ترجیحی را منشأ جهش قیمت‌ها معرفی می‌کند. اما تجربه چندساله ارز چندنرخی نشان داده است که تخصیص ارز ارزان در ابتدای زنجیره، الزاماً به مصرف‌کننده نهائی اصابت نمی‌کند. فاصله میان نرخ رسمی و غیررسمی، بستر شکل‌گیری رانت، صف‌های تخصیص، امضاهای طلایی و تقاضای کاذب را فراهم می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که طی سال‌های پرداخت ارز ترجیحی به ابتدای زنجیره با رقم ثابت، نه تنها باعث ایجاد ثبات قیمت در کالاهای دریافت‌کننده ارز نشده است بلکه نرخ کالاها با افزایش قیمت مواجه بوده است و در این سال‌ها همواره شاهد بالاترین نرخ تورم در اقتصاد کشور بوده‌ایم.

حرکت به سوی یکپارچه‌سازی نرخ ارز- هرچند پرهزینه در کوتاه‌مدت- تلاشی برای بازگرداندن نظم به نظام قیمت‌های نسبی و کاهش رانت ساختاری است. ادبیات سیاستگذاری بین‌المللی نیز تأکید دارد که نظام‌های چندنرخی به اعوجاج پایدار و شکاف رسمی-موازی می‌انجامند و در نهایت باید در قالب یک بسته منسجم به سمت یکپارچگی حرکت کرد.

در همین چارچوب، داده‌های بازار رسمی ارز اهمیت پیدا می‌کند. عرضه نزدیک به سه میلیارد دلار ارز توسط صادرکنندگان غیرنفتی در دو هفته، رشد ۵۰ درصدی معاملات بازار تجاری، تبدیل مازاد تقاضای ۵۰۰ میلیون دلاری به مازاد عرضه ۷۰ میلیون دلاری و ثبت میانگین معاملات روزانه ۱۴۲ میلیون دلار-که در برخی روزها به ۲۰۱ میلیون دلار رسیده-نشان می‌دهد تقاضا به‌تدریج از کانال‌های غیرشفاف به بازار رسمی منتقل می‌شود. این تحولات بیانگر تعمیق بازار رسمی است؛ مسیری که در بلندمدت می‌تواند مرجعیت قیمتی را از بازارهای حاشیه‌ای باز پس گیرد.

در نقد کیهان، «کنترل» عمدتاً به معنای تثبیت فوری نرخ ارز تعبیر شده است. اما در اقتصاد کلان، کنترل به معنای مهار انتظارات تورمی و مدیریت کل‌های پولی است. تأکید بانک مرکزی بر عقیم‌سازی پایه پولی ناشی از سیاست‌های حمایتی- از طریق عملیات بازار باز و ابزارهای نقدینگی- نشانه رویکردی مبتنی بر انضباط پولی است. اگر این چارچوب به‌صورت پایدار اجرا شود، می‌تواند لنگر اسمی را تقویت کند؛ حتی اگر در کوتاه‌مدت، بازار غیررسمی نوسان داشته باشد.

همچنین در یادداشت کیهان به نقش عوامل خارجی و سازوکارهای قیمت‌سازی اشاره شده است. بی‌تردید جنگ ارزی و محدودیت‌های تسویه بین‌المللی واقعیت دارد. اما پاسخ سیاستی به این فشارها، بازگشت به نظام رانتی نیست؛ بلکه تقویت بازار رسمی، کاهش شکاف نرخ‌ها و تنوع‌بخشی به سازوکارهای تسویه است. اصلاح مسیرهای پرداخت و کاهش وابستگی به گلوگاه‌هایی مانند درهم، ضرورتی نهادی است؛ اما این اصلاحات، مکمل انضباط پولی‌اند، نه جایگزین آن.

در نهایت، ارزیابی سیاست ارزی باید بر سه محور استوار باشد: ثبات قیمت‌ها، استقلال نهادی و پاسخگویی. تمرکز صرف بر نوسان‌های مقطعی بدون توجه به این سه معیار، تصویر را ساده می‌کند. اصلاحات ارزی یک «فرآیند» است، نه یک لحظه. اگر معیار قضاوت، مسیر میان‌مدت تورم، کاهش شکاف رسمی-غیررسمی و تعمیق بازار باشد، تصویر پیچیده‌تر اما منصفانه‌تری به دست می‌آید. اقتصاد غیرعادی، نیازمند تحلیل غیرسطحی است. پرسش اصلی این نیست که نرخ در یک روز چه عددی را لمس کرد؛ پرسش این است که آیا رانت ساختاری در حال کاهش است، آیا بازار رسمی در حال تقویت است و آیا لنگر اسمی اقتصاد مستحکم‌تر می‌شود یا نه. داوری درباره سیاست ارزی، اگر با این افق صورت گیرد، به جای هیجان لحظه، بر مسیر میان‌مدت ثبات تمرکز خواهد کرد.

پاسخ کیهان:

۱- جوابیه بانک مرکزی بر پیچیدگی شرایط اقتصاد ایران، نقش تحریم‌ها و ضرورت کاهش رانت‌های ساختاری تأکید کرده است؛ موضوعاتی که کیهان نیز همواره بر آن‌ها تصریح دارد اما از پرداختن به نقدهای اصلی یعنی زمان‌بندی نادرست، اولویت‌بندی غلط و نحوه اجرای سیاست‌ها و مسئولیت‌پذیری نسبت به پیامدهای معیشتی آن‌ها شانه خالی کرده است.

۲- بانک مرکزی حذف ارز ترجیحی را گامی در مسیر اصلاح نظام چندنرخی و کاهش رانت معرفی می‌کند و طبق رویه معمول دولت، سعی می‌کند مخالفان شوک‌درمانی را مدافعان رانت جلوه دهد، حال آنکه این نحوه برخورد نمی‌تواند واقعیت‌های کف جامعه را پنهان کند. در شرایطی که شبکه حمایت معیشتی، ساختار تولید و توزیع و انتظارات تورمی آماده نبود و کشور در اوج تنش‌های سیاسی و نظامی قرار داشت، اصرار مشکوک به شوک قیمتی، جهش قیمت‌ها و کاهش شدید قدرت خرید مردم را در پی داشته است. سیاست اقتصادی در خلأ اجتماعی اجرا نمی‌شود و هزینه‌های آن مستقیماً در سفره مردم منعکس می‌شود.

۳- ثبات قیمت‌ها و استقلال نهادی زمانی معنا دارد که در معیشت مردم قابل لمس باشد. اصلاح نظام ارزی ضروری است، اما اصلاحات بدون مرحله‌بندی، بدون سپر حمایتی و بدون اصلاح ساختارهای نهادی، به شوک قیمتی و بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود. سیاست موفق سیاستی است که هم رانت را کاهش دهد و هم معیشت مردم را قربانی نکند.

۴- بانک مرکزی به درستی بر «پاسخگویی» به عنوان معیار ارزیابی سیاست ارزی تأکید کرده، اما از زمان برگزاری جلسات کارگروه اصطلاحا معیشتی دولت در بانک مرکزی، آقای همتی به عنوان فرمانده اقتصادی دولت تاکنون حاضر نشده حتی یک‌بار در برابر رسانه‌ها حاضر شود و به پرسش‌های معیشتی پاسخ دهد.

۵- تأکید بر انضباط پولی و مهار پایه پولی شرط لازم ثبات است، اما کافی نیست. تورم و سقوط ارزش پول ملی در ایران ترکیبی از شوک‌های ارزی، تحریم‌ها، انتظارات تورمی و ناترازی‌های ساختاری است و بدون اصلاح سازوکارهای ارزی، تجاری و نهادی، ابزارهای پولی به‌تنهائی کفایت نمی‌کند.

۶- برخلاف تلاش جوابیه‌نویسان برای کوچک‌نمایی برخی راهبردهای کلیدی در مقابله با تحریم‌های مالی، مجددا تصریح می‌شود که اصلاح مسیرهای تسویه، کاهش وابستگی به گلوگاه‌هایی مانند درهم و مهار شبکه‌های تراستی باید با جدیت دنبال شود تا مثل امروز، هزینه اصلاحات اقتصادی بر دوش مردم نیفتد.

۷- در نهایت، جوابیه‌نویسان محترم در مواردی به غلط مدعی شده‌اند که از نظر کیهان، «کنترل» عمدتاً به معنای تثبیت «فوری» نرخ ارز تعبیر شده است و این سخن را به زبان‌های مختلف تکرار کرده‌اند. آیا سیاست‌های شوک‌درمانی دولت، چشم‌انداز روشنی را ترسیم می‌کند که برای آن منتظر بمانیم؟ سیاست‌های اقتصادی نیازمند زمان است، اما چقدر زمان؟ شاید قول معروف جان مینارد کینز که به کنایه گفته بود «در بلندمدت همه ما مرده‌ایم» وصف‌الحال امروز و پاسخی به این مدعا باشد.

ادامه سریال گرانی روغن و لبنیات با وجود حذف ارز ترجیحی

پس از جراحی اقتصادی دولت که ادعا می‌شد بازارها به ثبات می‌رسد؛ روغن و لبنیات، طی دو ماه، بارها افزایش قیمت را تجربه کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، رصد بازار کالاهای اساسی در برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سوپرمارکت‌های سطح شهر در هفته منتهی به سوم اسفندماه ۱۴۰۴، نشان می‌دهد قیمت برخی اقلام کالاهای اساسی با نوساناتی همراه بوده است. روغن خوراکی، از ابتدای دولت چهاردهم، بارها دچار کمبود و گرانسازی شده و عرضه به شکل قطره چکانی و با قیمت بالا انجام می‌شود.

پس از حذف ناگهانی ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، طی دو ماه گذشته این یک قلم کالای اساسی دو بار افزایش قیمت را تجربه کرده است.

افزایش قیمت ارز در بازار آزاد علت این گرانی عنوان می‌شود. این تغییرات ارزی سبب شده تا تولید با نرخ ارز آزاد انجام و با هر تنش قیمتی در بازار ارز بازار کالاهای اساسی نیز بیش از گذشته دچار تنش شود.

دولت و مدعیان، ادعا می‌کردند که با حذف ارز ترجیحی، بازارها به ثبات می‌رسد اما نه تنها این اتفاق رخ نداد بلکه کالاها روز به روز گران‌تر می‌شود. حالاها هم که ارز ترجیحی با قیمت ۱۳۵ هزار تومان بازگشته در حالی‌که نرخ ارز آزاد و غیررسمی، ۱۶۳ هزار تومان است.

ادامه گران‌سازی لبنیات

گرانی لبنیات همچنان ادامه دارد. سیاست اعلامی وزارت جهاد کشاورزی، خرید شیر به قیمت ۴۶ هزار تومان از سوی کارخانه‌های لبنیات و تبدیل آن به شیرخشک و صادرات آن، در صورت نبود تقاضای داخلی است. ریشه، گرانی لبنیات، همین سیاست وزارت جهاد کشاورزی است که از گرانی نهاده دامی نشأت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد؛ برای وزارت جهاد کشاورزی، قدرت خرید داخلی آنچنان اهمیتی ندارد و صرفاً کسب درآمد و سود صادرکنندگان مهم است! این گران‌سازی‌ها، با عنوان حمایت از تولید انجام می‌شود اما سود آن به جیب صادرکنندگان می‌رود. آن‌هم در حالی که دشمن، روی فشار بر مردم از طریق غذا، تاکید می‌کند.

برخی برندهای فعال در بازار فرآورده‌های لبنی در این هفته مبادرت به افزایش قیمت محصولات خود کرده‌اند. به عنوان مثال، خامه ۲۰۰ گرمی یکی از برندها از حدود ۷۲ هزار تومان به ۹۹ هزار و ۷۰۰ تومان افزایش یافته است.

یکی از ترفندهای تولیدکنندگان این حوزه، افزایش قیمت‌های نامتعارف به یک‌باره بوده و پس از گذشت دو هفته از افزایش مثلا ۱۰ هزار تومانی، نرخ برخی از فرآورده‌ها را کمی کاهش می‌دهند. در این هفته، ماست دبه‌ای دو و نیم کیلوگرمی یکی از برندها از ۲۱۰ هزار تومان به ۲۰۵ هزار تومان کاهش یافت! البته این محصول در ۲۵ دی ماه ۱۵۵ هزار تومان به فروش می‌رسید.

افزایش قیمت حبوبات

بررسی‌های میدانی از سطح بازار نشان می‌دهد قیمت انواع حبوبات طی هفته‌های اخیر با افزایش قابل توجهی مواجه شده است؛ به‌طوری که برخی اقلام پرمصرف، رشد قیمتی چند ده‌هزار تومانی را در هر کیلوگرم داشته است.

این افزایش قیمت در حالی رخ داده که ادعا می‌شود تقاضا برای حبوبات، به‌واسطه کاهش قدرت خرید مردم در بازار گوشت، روندی افزایشی داشته و همین موضوع فشار مضاعفی را بر بازار این محصولات وارد کرده است. همواره با افزایش قیمت گوشت، تقاضا برای حبوبات بالا می‌رفت اما در شرایط فعلی، تقاضای حبوبات هم افزایش نیافته است.

مشاهدات حاکی از آن است که لپه ۹۰۰ گرمی ۳۷۵ هزار تومان، عدس ۹۰۰ گرمی ۳۱۰ هزار و ۸۰۰ تومان، لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی ۶۴۹ هزار و ۹۰۰ تومان، نخود ۹۰۰ گرمی ۳۷۹ هزار و ۷۰۰ تومان و عدس ریز ۹۰۰ گرمی ۳۵۰ هزارتومان در فروشگاه‌ها به فروش می‌رسد و این قیمت‌ها نشان‌دهنده افزایش قیمت چشمگیر این محصولات است.

داوود لپه‌چی؛ رئیس هیئت‌مدیره انجمن حبوبات ایران در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تغییر ناگهانی سازوکار تخصیص ارز توضیح داد: واردکنندگانی که چهار تا شش ماه پیش کالا وارد کرده بودند، بر مبنای ارز ۷۰ هزار تومانی اقدام به ترخیص و فروش کردند، اما پس از حذف تالار یک و انتقال به تالار دو، اکنون برای تامین مجدد کالا باید ارز ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومانی پرداخت کنند. این اختلاف، فشار مالی شدیدی ایجاد کرده و برخی واردکنندگان را تا مرز ورشکستگی پیش برده است.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن حبوبات ایران افزود: زمانی که واردکننده به تامین‌کننده خارجی بدهکار می‌شود و امکان تسویه ندارد، عملا قادر به واردات مجدد نخواهد بود. همین مسئله باعث شده بسیاری از واردکنندگان فعلا فعالیت خود را متوقف کنند تا وضعیت روشن شود. اگرچه وعده‌هایی برای جبران مابه‌التفاوت ارزی داده شده، اما تاکنون اقدام عملی صورت نگرفته و این موضوع نگرانی‌ها را افزایش داده است. حتی محصولات تولید داخل نیز از افزایش نرخ ارز و تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی تأثیر می‌پذیرند.

لپه‌چی ادامه داد: حرکت به سمت تک‌نرخی شدن ارز مطالبه همیشگی انجمن بوده اما این اقدام باید تدریجی و با برنامه‌ریزی انجام می‌شد. حذف ناگهانی ارز ترجیحی و جایگزینی آن با ارزی که همچنان فاصله معناداری با بازار آزاد دارد، تبعات اقتصادی و اجتماعی جدی به همراه خواهد داشت و مستقیما بر سفره مردم اثر می‌گذارد. از طرفی، دولت حدود یک سال است که بدهی‌های خود به واردکنندگان کالاهای اساسی را پرداخت نکرده و این موضوع انگیزه واردات را به‌شدت کاهش داده است.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۰۲۰۸ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰ ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۹۱۰۹۱۴ ۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب
سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲ ۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

آگهی‌های مفقودی

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک
منطقه نور چمستان (ویلا شمال) زیر ۵ تومان شهرکی و غیر شهرکی موجود می‌باشد. ۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک انتظار «شمال» خرید ویلا، زمین در شمال منطقه نورچمستان فرصتی استثنایی با هر قیمت یا بودجه شما همین حالا با ما تماس بگیرید. ۰۹۳۸۳۵۱۶